

ماهیت و عملکرد بانک جهانی

اصولاً اصطلاح بانک جهانی به بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه *IBRD* و سازمان‌های تابعه یعنی موسسه بین‌المللی توسعه *IDA* و سازمان مالی بین‌المللی *IFC* اطلاق میگردد. در اساسنامه این سازمانها اهداف تشکیل مؤسسات مزبور کمک به بالا بردن سطح رفاه کشورهای در حال توسعه از طریق کانالیزه کردن منابع مالی از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه میباشد و سرمایه این بانکها توسط کشورهای عضو تأمین میشود. قابل ذکر است که *IBRD* خود در امر خرید و فروش سهام و قرضه دست داشته و مقداری درآمد نیز سالانه از آن طریق بدست میآورد. وامهائی که این بانک در اختیار کشورها قرار میدهد اکثراً دارای مدت اعتبار ۲۰ ساله بوده و یک مهلت ۵ ساله نیز برای پرداخت قسط اول در نظر گرفته میشود. در اساسنامه بانک *IBRD* قید گردیده که هدف از اعطای وام، بالا بردن تولید و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه میباشد. مضافاً قید شده که هرگونه تصمیم‌گیری در مورد اعطای وام به کشورهای در حال توسعه بایستی براساس گزارش توجیه اقتصادی صورت پذیرد.

مؤسسه بین‌المللی توسعه *IDA* که در سال ۱۹۶۰ افتتاح شده شرایطی شبیه *IBRD* دارد ولی عمدتاً این سازمان به کشورهای فقیرتر در حال توسعه که درآمد سرانه آنان زیر ۷۹۱ دلار در سال است اعتبار پرداخت می‌کند. بیش از ۵۰ کشور جهان شامل این درجه‌بندی شده و میتوانند از وامهای سازمان مزبور استفاده کنند. منابع مالی این سازمان از حق‌السهم اعضاء و کمک کشورهای توسعه یافته صنعتی و انتقال سود حاصل از فعالیتهای مالی *IBRD* در بازار سرمایه تأمین میگردد. مضافاً مدت اعتبار وامهای *IDA* بین ۳۰ تا ۴۰ سال بوده و بهره نازلی به آنها تعلق میگیرد. اهداف سازمان مالی

بین‌المللی *IFC* نیز کمک به کشورهای کمتر توسعه یافته از طریق تشویق بخش خصوصی جهت توسعه اقتصاد کشور و کمک به کسب سرمایه مورد نیاز در این زمینه‌ها میباشد بطور کلی استراتژی سرمایه‌گذاری بانک بطریقی است که نهایتاً بایستی این سرمایه‌گذارها منجر به ارتقاء سطح رفاه مردم فقیر کشورهای در حال توسعه و افزایش کارآئی تولیدات این کشورها گردد.

برای تحقیق و بررسی بیشتر در این موضوعات و اینکه بانک در اجرای اهداف پیش‌بینی شده در اساسنامه‌های خود موفق بوده یا نه، لازم است اقدامات انجام شده بانک جهانی بشرح زیر مورد ارزیابی قرار گیرد:

الف- بانک جهانی به کدام دسته از کشورها وام و اعتبار داده است؟
ب- به چه بخشهایی از اقتصاد کشورها وام تعلق گرفته است؟
ج- آیا بانک در عملیات مربوط به تأمین منابع مالی (بازار سرمایه) موفق بوده است یا خیر؟

لازم به ذکر است که در اساسنامه بانک قید گردیده که اصولاً به طرحهایی وام و اعتبار تعلق میگیرد که از نظر اقتصادی قابل توجیه باشد. یعنی اینکه مسائل سیاسی و جریانات دیگر از این نوع، هیچگونه رابطه‌ای با تصمیمات بانک در اعطای وام نداشته و نمیتواند عامل مهم تلقی گردد. با توجه به اینکه آمارهای لازم در این زمینه موجود نیست لذا ارزیابی مستند در این مورد امکان‌پذیر نبوده لیکن در عمل کاملاً روشن میباشد که مسائل سیاسی همراه با موضوعات اقتصادی در اعطای وام به کشورهای درخواست کننده مؤثر بوده است.

الف: بانک جهانی به کدام دسته از کشورها وام داده است؟
همانطور که اشاره شد در اساسنامه بانک جهانی قید گردیده که هدف از اجرای عملیات وام‌دهی، اخذ سرمایه از

کشورهای غنی و در اختیار قرار دادن آنها به کشورهای فقیر میباید.

در جدول شماره یک وام گیرندگان بانک جهانی براساس مناطق مختلف جغرافیائی قید گردیده است.

بطوریکه از جدول شماره ۱ مستفاد میشود طی چهار سال ۱۹۸۳-۸۶ میزان وامهای اعطائی به مناطق مختلف جغرافیائی آفریقا، آسیا و اروپا و امریکای لاتین رو به افزایش بوده لیکن در سال ۱۹۸۶ بخش اروپا و خاورمیانه و شمال آفریقا که از نظر تولید خالص ملی سرانه در رده بالائی بوده اند نسبت به سالهای قبلی وام کمتری دریافت کرده اند. متقابلاً طی سال مذکور وامهای پرداختی به امریکای لاتین و آسیا و آفریقا بیشتر گردیده است. این امر گویای این واقعیت میباشد که بانک جهانی به آن دسته از مناطق جغرافیائی که دارای درآمد سرانه کمتری بوده اند توجه بیشتری داشته و به اینگونه کشورها وام بیشتری پرداخت نموده است. بطور مثال کشور هندوستان را میتوان نام برد که با ۲۶۰ دلار تولید ناخالص ملی

سرانه، در سال ۱۹۸۶ بیشترین وام را در بین کشورهای مختلف جهان از بانک جهانی دریافت کرده است. در جدول شماره ۲ کشورهای وام گیرنده بزرگ از بانک جهانی طی سالهای ۸۶-۱۹۸۵ نشان داده شده است.

بطوریکه از جدول شماره ۲ مستفاد میگردد منطقه آسیا که از نظر درآمد سرانه جزء مناطق کم درآمد محسوب میشود حدود ۵۰ درصد کل وامهای بانک جهانی را بخود اختصاص داده و کشورهای آفریقائی و آمریکائی لاتین در مراتب بعدی در این زمینه قرار دارند. قابل ذکر است که حدود ۲۵ درصد از کل وامهای پرداختی بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ به ۵ کشور آمریکای لاتین (برزیل- آرژانتین- مکزیک- کلمبیا و شیلی) پرداخت شده است که درآمد سرانه آنان بین ۱۴۰۰ تا بیش از ۲ هزار دلار در نوسان بوده است. اصولاً این قبیل وامها از طریق IBRD در اختیار این کشورها قرار میگیرد. در صورتیکه در همین قاره کشورهایی با تولید ناخالص ملی سرانه زیر ۵۰۰ دلار قرار دارند که میبایستی اصولاً کمکهای بیشتری

جدول شماره ۱- وام گیرندگان براساس مناطق مختلف جغرافیائی

واحد: میلیون دلار

نام کشور	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶
آفریقا- منطقه شرق و جنوب	۴۳	۴۰	۴۵	۴۱
آفریقا- منطقه غرب	۳۷	۳۷	۳۵	۳۸
مجموع آفریقا	۸۰	۷۷	۸۰	۷۹
آسیا- منطقه شرق و اقیانوسیه	۴۰	۳۵	۳۹	۴۴
آسیا- جنوب	۴۰	۴۴	۳۷	۳۲
مجموع آسیا	۸۰	۷۹	۷۶	۷۶
اروپا- خاورمیانه و شمال آفریقا	۴۱	۴۳	۳۹	۳۰
آمریکای لاتین و کارائیب	۴۲	۳۶	۴۱	۴۳
جمع کل	۲۴۳	۲۳۵	۲۳۶	۲۲۸

جدول شماره ۲ کشورهای وام گیرنده بزرگ از بانک جهانی

واحد: میلیون دلار

شرح سال آسیا هندوستان چین اندونزی پاکستان کره جنوبی آفریقا ساحل عاج زئیر نیجریه شمال آفریقا و آسیا ترکیه مراکش آمریکای لاتین برزیل مکزیک کلمبیا آرژانتین شیلی سایر کشورها جمع کل	۱۹۸۵	۱۹۸۶	تولید ناخالص ملی سرانه
	۲/۳۴۶	۲/۳۶۸	۲۶۰
	۱۱۰۱	۱۱۳۷	۳۱۰
	۹۲۷	۱۱۳۲	۵۴۰
	۶۷۸	۶۵۰	۳۸۰
	۵۵۶	۶۲۶	۲۱۱۰
	۱۴۱	۳۴۰	۶۱۰
	۹۱	۲۱۷	۱۴۰
	۱۱۹	۳۳۱	۷۳۰
	۶۹۸	۱۰۵۷	۱۱۶۰
	۲۰۷	۵۳۸	۶۷۰
	۱۵۲۳	۱۶۲۰	۱۷۲۰
	۵۹۸	۹۰۴	۲۰۴۰
	۷۰۷	۷۰۰	۱۳۹۰
	۱۸۰	۵۴۴	۲۲۳۰
	۲۸۷	۴۵۶	۱۷۰۰
	۴۲۲۷	۳۶۹۸	
	۱۴۳۸۶	۱۶۳۱۸	

آنها جزء بزرگترین بدهکاران بشمار میروند) بقیه وامهای پرداختی که شامل ۷۰ درصد کل وام بحساب میآید راهی کشورهای فقیرتر جهان گردیده است که اصولاً از نظر مادی به چنین وامهایی نیاز واقعی داشته اند. پس با توجه به مراتب فوق میتوان در این بخش نتیجه گیری نمود که گرچه منظور واقعی از هدف اجرائی عملیات مالی بانک جهانی مبنی بر تغییر مسیر منابع مالی از کشورهای غنی به فقیر بطور مطلق برآورده نشده ولی تا حدود زیادی این فرضیه به تحقق نرسیده، یعنی اینکه بطور نسبی میتوان ادعا نمود که بانک در عملیات وام دهی خود موفق بوده است.

ب: به چه بخشهایی از اقتصاد کشور وام تعلق گرفته است؟

برای سهولت بحث در این قسمت، سالهای ۸۶-۱۹۸۳ انتخاب گردیده و در این بخش روند رشد وامهای اعطایی بانک جهانی به بخشهای مختلف اقتصادی کشور وام گیرنده مورد بحث قرار گرفته است. در جدول شماره ۳ میزان وامهای اعطائی بانک جهانی با توجه به بخشهای مختلف اقتصادی نشان داده شده است.

بطوریکه از جدول شماره ۳ مستفاد میگردد طی سالهای ۸۶-۱۹۸۳ میزان وام دهی بانک جهانی به کلیه بخشها (بغیر از بخش انرژی) افزایش نشان میدهد. بطور مثال میزان وام دهی به بخش کشاورزی طی سالهای مذکور حدود ۳۰ درصد رشد داشته و بیشترین رشد را بخش صنعت با ۵۰ درصد افزایش بخود اختصاص داده است. ساخت نیروگاههای برق نیز دارای رشد نسبتاً زیادی بوده و تنها بخش انرژی در سال ۱۹۸۶ نسبت به سالهای قبل دارای رشد کمتری بوده که علت اساسی آن کاهش قیمت نفت و عدم صرفه اقتصادی کشورهای وام گیرنده جهت دریافت کمکهای مالی برای تأمین نیازهای سوختی خودشان بوده است مضافاً بطوریکه از جدول فوق الذکر مستفاد میشود حدود ۲۰ درصد از وامهای اعطائی بانک جهانی به بخش کشاورزی و ۱۵ درصد به بخش نیروگاهها و ۱۰

را از بانک جهانی دریافت مینمودند که البته این کار صورت تحقق به خود نیافته است. اگر وامهای پرداختی به چند کشور فوق الذکر آمریکای لاتین را که از نظر حکومتی نیز تمایلات خاص سیاسی با آمریکا دارند کنار بگذاریم (اگر چه اکثر

جدول شماره ۳- اختصاص وام های بانک جهانی به بخشهای

مختلف اقتصادی

واحد: میلیون دلار

اقتصادی طی سال ۱۹۸۶

جدول شماره ۴- وام گیرندگان بزرگ در بخشهای مختلف

شرح سال	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶
کشاورزی و توسعه روستایی	۳۶۹۸	۳۶۶۴	۳۷۴۹	۴۷۷۴
نیروگاه	۱۷۶۸	۲۶۵۱	۲۲۵۰	۲۷۸۷
تعلیم و تربیت	۵۴۸	۶۹۴	۹۲۷	۸۲۹
انرژی	۱۰۴۹	۸۶۵	۱۳۳۱	۲۳۱
صنعت	۶۹۲	۵۵۴	۶۴۴	۱۳۲۱
جمعیت و بهداشت	۱۸	۲۴۳	۱۹۱	۴۱۹
صنایع کوچک	۵۳۱	۶۷۲	۵۶۰	۲۷۴
کمکهای فنی	۵۲	۱۳۵	۱۱۲	۱۳۸
مخابرات	۵۷	۱۶۷	۱۲۲	۵۱
حمل و نقل	۱۹۲۳	۲۵۹۷	۲۱۳۸	۱۴۹۸
توسعه شهری	۵۵۴	۵۰۰	۳۸۴	۱۱۱۷
توسعه مؤسسات مالی	۱۲۳۸	۹۶۳	۵۶۵	۱۴۴۹
آب وفاضلاب	۸۱۰	۶۴۰	۷۸۰	۶۰۵
جمع کل	۱۴۴۷۷	۱۵۵۲۴	۱۴۳۸۶	۶۳۱۸

برنامه های عمرانی خود از قبیل توسعه کشاورزی و بهداشتی و صنعتی نیاز به اخذ وام از خارج داشته اند. با توجه به اینکه وامهای اعطائی بانک از نظر شرایط دارای سهولت بیشتری از منابع مالی دیگر میباشد لذا میتوان ادعا نمود که بانک جهانی در اعطای وام به کشورهای فقیر بمنظور توسعه و بهبود اوضاع اقتصادی خود بطور نسبی مؤثر بوده است. قابل ذکر است که بانک جهانی علاوه بر اعطای کمکهای مالی سالانه یک سری برنامه های آموزشی و سمینار نیز برای استفاده کشورهای مختلف عضو در نظر گرفته که مشتمل بر آموزش تکنسین های کشاورزی و صنعتی و امور حمل و نقل و توسعه شهری و آب و برق وغیره میباشد. علاوه بر این بانک جهانی وامهای مختلفی در مورد بهبود و تثبیت برنامه های اقتصادی کشورهای فقیرتر جهان در نظر گرفته که همه ساله به اینگونه کشورها که از نظر

درصد به بخش صنعت تعلق گرفته است که این بخشها از نظر توسعه اقتصادی دارای اولویت ویژه ای میباشند در جدول شماره ۴ بزرگترین وام گیرندگان در بخشهای اقتصادی قید گردیده است.

بطوریکه در جدول شماره ۴ مشاهده میشود به غیر از کشورهای برزیل و آرژانتین و کره جنوبی که دارای درآمد سرانه بیشتری هستند بقیه کشورهای وام گیرنده از نظر اجرای

تراز پرداختهای خارجی و یا صنعتی و کشاورزی دچار مشکل میباشند پرداخت مینماید. میزان وامهای مذکور طی سال ۱۹۸۵ حدود ۶۲۹ میلیون دلار بوده که در سال ۱۹۸۶ مبلغ مذکور به ۲ برابر افزایش یافته است. بیشترین وام را در این زمینه کشورهای امریک و بنگلادش که از نظر اقتصادی با مسئله بیکاری و تورم روبرو میباشند، دریافت نموده اند.

ج: آیا بانک جهانی در عملیات مالی خود موفق بوده است؟

منظور از بحث در این زمینه اینستکه مشخص شود آیا بانک جهانی در عملکرد خود بعنوان یک سازمان مالی و با این هدف که منابع مالی را بایستی از کشورهای ثروتمند بسمت کشورهای فقیرتر جهان سوق دهد، درایت کافی از خود نشان داده و یا اینکه در حفظ و بکارگیری این سرمایه ها کوتاهی نموده است.

اصولاً بانک جهانی غیر از سرمایه و حق السهم کشورها که در نزد خود دارد همانند یک سازمان مالی اقدام به استقراض با نرخ بهره پائین از منابع مالی مختلف مینماید و سپس منابع مالی مذکور را در اختیار کشورهای عضو بانک جهانی برای اجرای طرحهای مختلف اقتصادی و صنعتی قرار میدهد. بانک جهانی معتقد است که در عملیات کسب منابع مالی لازم، از روشهای ابتکاری مختلفی استفاده کرده که در نتیجه این اقدامات میزان بهره پرداختی به مؤسسات مالی وام دهنده بسیار پائین تر از بهره جاری در بازار بوده است. میزان وام دریافتی بانک از مؤسسات مالی در طی سال ۱۹۸۶ حدود ۱۰/۶ میلیارد دلار بوده که حدود ۸۰ درصد از وامهایی که بانک جهانی استقراض نموده (۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶) از بخش خصوصی و ۱۵ درصد نیز (۱/۵ میلیارد دلار) از منابع دولتی تأمین شده است. متوسط نرخ بهره پرداختی به مؤسسات وام دهنده در سال ۱۹۸۶ حدود ۶/۹۳ درصد تخمین زده شده که در مقایسه با سال قبل (۷/۹۸ درصد) از کاهش نسبی برخوردار بوده است. در مقابل بانک جهانی از سال ۱۹۸۲ به

بعد از طریق استفاده از سیستم نرخ بهره متغیر اقدام به اعطای وام به کشورهای مختلف نموده. این نرخ که در سال ۱۹۸۲ حدود ۱۱/۴۳ درصد بوده و بتدریج کاهش یافته تا جائیکه در سال ۱۹۸۶ به ۸/۲۳ درصد رسید. مضافاً این بانک در برنامه های مالی خود اقدام به سرمایه گذاری نیز مینماید که میزان سرمایه گذاریهای مذکور طی سال ۱۹۸۶ حدود ۲/۱ میلیارد دلار بوده و نرخ بازده سرمایه حدود ۱۰/۶۷ درصد طی سال مذکور تخمین زده شده است. میزان کل هزینه های بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ حدود ۵/۵ میلیارد دلار (شامل بهره پرداختی و هزینه های اداری) و میزان درآمد خالص بانک نیز حدود ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. در اینجا قابل ذکر میباشد که علت اصلی بالا بودن درآمد بانک جهانی، پائین بودن نرخ بهره پرداختی به بانکها و مؤسسات وام دهنده از طریق بانک مذکور میباشد. میزان کل وام پرداختی بانک جهانی تا سال ۱۹۸۶ حدود ۱۰۴ میلیارد دلار تخمین زده شده و قابل ذکر است که درآمدهای حاصله از عملیات مالی بانک جهانی در هر سال، در سال بعد بصورت اعطای وام به کشورهای وام گیرنده برگشت داده میشود (از طریق IDA).

ممکن است سؤال شود که چگونه است که نرخ بهره دریافتی بانک جهانی از نرخ بهره ای که این بانک به مؤسسات مالی میپردازد بیشتر میباشد. پاسخ اینستکه بانک جهانی از طریق IDA سالانه مقادیری اعتبار در اختیار کشورهای فقیر جهان قرار میدهد که دارای بهره نازلی بوده و مدت اعتبار باز پرداخت آنان نیز بین ۳۰ تا ۴۰ سال میباشد. میزان این قبیل وامها طی سال ۱۹۸۶ تقریباً یک پنجم کل وامهای بانک جهانی را شامل میشده است. بعبارت دیگر گرچه بانک جهانی در برخی از وامها کسب سود میکند ولی در برخی دیگر از وامها بعلت شرایط سهل اعتباری متقابلاً متضرر میگردد.

با آنچه که در بخش حاضر گفته شد این استنباط حاصل میگردد که بانک جهانی تا حدود زیادی در جهت برآورده

ساختن احتیاجات کشورهای واقعاً نیازمند موفق بوده و آمارها حاکی از پیگیری چنین سیاستی بتوسط بانک مزبور میباشد. اما با توجه به اینکه بهر حال امیال سیاسی کشورهای عمده صنعتی در واگذاری بخشی از سرمایه بانک جهانی به کشورهای «دوست» کم و بیش از آمارهایی که خود اینگونه سازمانها ارائه میدهند آشکار میباشد، بنابراین این سؤال مطرح میگردد که چگونه میتوان تا حد امکان از بسط چنین روندی جلوگیری بعمل آورد.

متأسفانه بانک جهانی، سازمانی است که میزان سهم، معیار تصمیم گیری را در آن شکل میدهد. کشورهای در حال توسعه جهان هم اکنون قریب ۴۲/۵ درصد از کل سرمایه بانک و در نتیجه بهمین نسبت قدرت تصمیم گیری را در بانک مزبور

بقیه از صفحه ۲۶

به فعالیت اشتغال ورزید. هدف کلی در این زمینه گسترش همکاریهای صنعتی با این کشور میباشد و مضافاً فعالیت اعضاء EFTA فقط منحصر به موضوعات تجاری نمیشود بلکه این سازمان موضوعات مختلف اقتصادی بخصوص مسائل مربوط به سازمانهای اقتصادی در سطح جهان از قبیل بازار مشترک را هماهنگ میسازد. هدف اینست که کشورهای

در دست دارند. البته هر چند در طی دو دهه اخیر کشورهای در حال توسعه جهان توانستند قدرت خود را در بانک جهانی تقریباً تا دو برابر افزایش دهند اما چنین تحولاتی در فضائی فاقد از هرگونه تهدید به موقعیت کشورهای صنعتی صورت پذیرفته لیکن در حال حاضر که به مرز تساوی قدرت آرا در این بانک نزدیک میگردیم بنظر میرسد که بدست آوردن اختیارات بیشتر بتوسط کشورهای در حال توسعه مشکل تر و حتی غیر عملی باشد. بنابراین به زبان ساده تنها راه ممکن برای جلوگیری از هرگونه اعمال نفوذ بتوسط کشورهای عمده صنعتی عبارت از جهد کامل کشورهای در حال توسعه در برخورداری از سهمی عادلانه در این سازمان و برخورداری از قدرت تصمیم گیری کافی جهت سد نمودن هر گونه هدایت منابع مالی این سازمان به بعضی از کشورها صرفاً براساس امیال سیاسی میباشد.

کوچک عضو EFTA که به تنهایی صدائی ندارند از طریق تشکیل و یکپارچگی قادر شوند در سازمانهای بین المللی جهانی دارای قدرت شده و از یکدیگر حمایت نمایند.

در جدول ۱ و ۲ وضعیت بازرگانی EFTA در سال ۱۹۸۴ نشان داده شده است.

جدول ۱: واردات منطقه آزاد تجاری در سال ۱۹۸۴

کشورهای واردکننده	EFTA	EEC	امریکا	ژاپن	بلوک شرق	بقیه جهان دنیا	واحد: میلیون دلار
اتریش	۱۵۵۲	۱۱۸۴۰	۶۸۷	۶۳۹	۲۲۷۶	۲۵۹۸	۱۹۵۹۴
فنلاند	۲۲۳۴	۴۴۲۶	۶۲۴	۶۹۴	۲۳۵۳	۱۲۱۰	۱۲۴۴۲
ایسلند	۱۷۹	۳۹۹	۵۷	۳۸	۹۲	۷۶	۸۴۳
نروژ	۳۵۲۴	۶۳۳۴	۱۲۴۳	۶۶۶	۵۰۱	۱۶۱۸	۱۳۸۹۰
پرتغال	۴۰۵	۲۷۹۱	۱۰۵۳	۱۹۴	۹۹	۳۲۲۶	۷۷۷۰
سوئد	۴۷۳۲	۱۳۹۰۶	۲۱۴۳	۱۲۳۰	۱۴۹۴	۲۸۳۲	۲۶۳۳۹
سوئیس	۱۹۸۰	۲۰۰۳۹	۱۹۷۶	۱۱۳۵	۹۱۸	۳۷۳۰	۲۹۷۷۹
جمع کل	۱۴۶۰۹	۵۹۷۳۹	۷۷۸۵	۴۵۹۸	۸۶۳۵	۱۵۲۹۲	۱۱۰۶۶۰

جدول ۲: صادرات منطقه آزاد تجاری در سال ۱۹۸۴

کشورهای صادرکننده	EFTA	EEC	امریکا	ژاپن	بلوک شرق	بقیه جهان جهان	واحد: میلیون دلار
اتریش	۱۶۹۸	۸۳۸۳	۶۴۶	۱۶۳	۱۹۰۶	۲۹۱۸	۱۵۷۱۷
فنلاند	۲۵۷۴	۵۰۴۷	۱۰۹۳	۱۷۱	۲۷۶۷	۱۸۵۲	۱۳۵۰۷
ایسلند	۹۶	۲۸۹	۲۱۱	۲۷	۷۰	۵۴	۷۴۹
نروژ	۲۴۸۵	۱۳۲۳۹	۹۶۴	۲۶۴	۱۶۲	۱۸۰۲	۱۸۹۱۹
پرتغال	۵۴۳	۳۰۰۳	۴۶۰	۴۸	۸۵	۱۰۶۹	۵۲۱۰
سوئد	۵۳۷۰	۱۴۰۴۹	۳۳۴۵	۴۲۲	۷۴۹	۵۳۸۸	۲۹۳۲۵
سوئیس	۲۱۰۷	۱۳۰۶۱	۲۵۵۰	۸۵۵	۷۶۵	۶۶۱۷	۲۵۹۵۷
جمع کل	۱۴۸۷۵	۵۷۰۷۴	۹۲۷۲	۱۹۵۴	۹۵۰۷	۱۹۷۰۴	۱۰۹۳۸۸